



امام خمینی و هنر متعهد

حجة الاسلام جواد محدثی

شخصیت عظیم و افکار بلند حضرت امام از یک سو، گستردگی مباحث مربوط به هنر و شاخه‌های مختلف آن از سوی دیگر، و محدودیت صفحات خاص این موضوع از دیگر سو، پرداختن به موضوع امام خمینی و هنر را دشوار می‌سازد. اما از آنجا که جامعیت شخصیت امام راحل و دیدگاه‌های نو و مترقی ایشان نسبت به مسائل گوناگون از جمله هنر، پرداختن به این موضوع را ضروری می‌سازد، هر چند گذرا به موضوع یادشده می‌پردازیم.

دامنه مباحث و شاخه‌های مربوط به هنر، بسی گسترده است. از نویسندگی، شعر، قصه، طنز، نقاشی، موسیقی، خطابه و سخنوری گرفته، تا وادی فیلم و سینما و تئاتر و برنامه‌های هنری رادیو و تلویزیون و کاریکاتور، نمایشنامه‌ها و فیلم‌های عروسکی و کارتون کودکان و طراحی و گرافیک و خوشنویسی و آهنگ و آواز و... را شامل می‌شود.

در مقوله هنر، زیباشناسی و زیبایی‌آفرینی از عناصر مهم به‌شمار می‌رود. تخیل و ذهن خلاق هنرمند، به کمک احساس بالنده و قدرت تعبیر و ظرافت اندیشه و نکته‌شناسی و نکته‌سنجی و خیال‌انگیزی، جلوه‌های ماندگاری از هنر را پدید می‌آورد. آنکه روحی لطیف و درکی زیبا و زبانی نافذ و بیانی رسا دارد، در شاخه‌های مختلف هنر، بهتر می‌تواند اندیشه و احساس و پیامی را بر بال هنر بنشانند و در آفاق اندیشه‌های بشری و در قلمرو دل و جان انسان‌ها به پرواز آورد.

امام امت، با برخورداری از مایه‌های اصلی و عمده هنر، در حد بالایی این عناصر را در وجود خویش فراهم آورده بود. نیروی خطابه و سخنوری امام امت، زیبایی قلم و قدرت نگارش و تعبیر او، توان تأثیرگذاری عمیق بر دل‌های مخاطبان، قدرت انگیزش نسبت به جوانان، ذوق لطیف شعری، خط پخته و زیبا، مایه‌های طنز و کنایه و استعاره و صناعات ادبی در گفتار و نوشتار، زیبایی روح و رفتار، جمال ظاهر و باطن و حسن صورت و حسن سیرت و حسن سریرت، همه و همه در امام امت جمع بود. هنر رفتاری و جاذبه فوق‌العاده او و هنر ایجاد تغییر در رفتار و ساختار فرد و جامعه نیز از او چهره‌ای به‌عنوان معمار حکومت اسلامی ساخته است. هم او بود که هنر بسیج توده‌ها را علیه ستم در

سطح جهان داشت و این کم هنری نیست. خدای متعال، که زیبایی‌آفرین پهنه خلقت است، هنرهای متعددی را در وجود این انسان پیامبرگون، مسیح‌وار، ابراهیم‌آسا و علی‌وش یکجا گرد آورده است.

در بحث از امام و هنر، هم می‌توان به جلوه‌های هنری که در وجود و فکر و بیان و قلم و شعر و ادبیات و ذوقیات امام راحل نهفته است پرداخت، هم می‌توان دیدگاه‌های او را درباره هنرهای مختلفی چون: قلم، شعر، موسیقی، فیلم و سینما، رادیو و تلویزیون، هنرهای نمایشی و تصویری و... بررسی کرد؛ دو مقوله جدا از هم، و دو بررسی که هر یک میدانی متفاوت از دیگری دارد.

هنر برتر

پیش از آنکه به مطالعه دیدگاه‌های امام درباره مقوله‌های هنری بپردازیم، گفتنی است که هنر، مبتنی بر زیبایی است، چه در مرحله درک و شناخت و چه در مرتبه خلاقیت و آفرینش هنری.

همچنان که جمال و زیبایی تنها جمال صوری و ظاهری و حسی نیست و جمال برتری به نام جمال معنوی داریم، هنر نیز، غیر از شاخه‌ها و مقوله‌های محسوس و مادی و قالب‌های عینی، نوع برتر هم دارد که به همان زیبایی‌های روح و زیبایی‌های عمل و رفتار بازمی‌گردد. آراستگی به اخلاق حسنه هنری است دشوار، ارزشمند و مهم. به فرموده حضرت امیر(علیه‌السلام): آراستگی درون‌ها، زیباتر از آراستگی

**آنکه روحی لطیف و درکی زیبا
و زبانی نافذ و بیانی رسا دارد،
در شاخه‌های مختلف هنر، بهتر
می‌تواند اندیشه و احساس و
پیامی را بر بال هنر بنشانند و
در آفاق اندیشه‌های بشری و
در قلمرو دل و جان انسان‌ها به
پرواز آورد.**

ظاهرهاست.^۱ و در سخن دیگری فرموده است: حسن‌الصوره جمال ظاهر و حسن‌العمل جمال باطن^۲ زیبایی چهره، جمال آشکار است، ولی زیبایی کار و عمل، جمال و زیبایی باطنی است.

در سخنان دیگری از آن امام بزرگوار و معصوم، خصلت‌هایی همچون حلم و بردباری، وقار، طاعت، پرهیز از ننگ و زشتی، عمل به علم، خردمندی و... به‌عنوان جمال برای یک فرد به‌شمار آمده است.^۳ اینها نشان‌دهنده آن است که زیبایی (و در نتیجه هنر مبتنی و متکی بر زیبایی) به زیبایی حسی خلاصه نمی‌شود. جمال برین و هنر برتر هم وجود دارد.

امام خمینی، با توجه به این دیدگاه و عنایت به هنر برتر، جلوه‌های ایثار و شهادت‌طلبی و جهاد حماسه‌آفرینان دفاع مقدس را برترین هنری می‌داند که حتی قابل ترسیم و تجسیم و ثبت و ضبط نیستند. در پیام سالگرد انقلاب، می‌فرماید: ... گیرم که قلم‌فرسایان هنرمند، بتوانند میدان‌های شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق‌العاده آنها را در زیر آتش مسلسل‌ها و توپ‌ها و تانک‌ها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزی‌های هنرمندانه آنان را در آن شب‌های تار در مقابل موشک‌ها و بمب‌افکن‌های دشمن غدار و عبور از پیچ و خم‌های سیم‌های خاردار و کوه‌های سر به فلک کشیده و بیرون‌کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند، لکن آن بُعد الهی عرفانی و آن جلوه‌های معنوی ربانی که جان‌ها را به سوی خود پرواز می‌دهد و آن قلب‌های ذوب‌شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می‌توان ترسیم کرد؟^۴ در این سخن، هم برخی



هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگی اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران را بیاموزد.

مرفهین بی‌درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد. هنر در مدرسه عشق، نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران را بیاموزد.

هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده‌اند و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدسمان اینگونه بودند، تا به ملکوت اعلی شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز، تمام مدعیان هنر بی‌درد را رسوا نمودند. خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند.»^۵

هنر در خدمت تعهد

از دیدگاه امام امت، هنری ستوده و ارجمند و قابل دفاع است که از عنصر تعهد و جوهر پیام و بعد سازندگی و تربیت برخوردار باشد؛ هنری که ارزش‌های مقدس را ترسیم کند، به انسان‌ها ایده و امید و اعتماد بدهد و از فساد و هرزگی و بدآموزی و تحریک غرایز حیوانی و شهوانی دور و منزه باشد.

هنری که وسیله‌ای در خدمت فساد و حکومت جور و برآوردن اهداف سیاسی بیگانگان باشد و مایه غفلت و بی‌خبری و

در آخرین سال عمر پربرکت خویش و پس از خاتمه جنگ تحمیلی صادر کرده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر آنگونه هنری است که باید به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیباپسند طالبان جمال حق را معطر کند.

تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام ائمه هدی (ع)، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازه‌پخته‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام

جلوه‌های ویژه مطرح شده که فراتر از قلمرو هنر معمولی است و نمی‌توان به بیان هنری آنها پرداخت و هم کار شگفت و زیبای حماسه‌آفرینان را هنرمندانه بیان کرده است.

پیام به هنرمندان

در راستای همان دیدگاه و ارج‌گذاری، پیامی که امام امت در تجلیل از هنرمندان متعهد دادند، آکنده از همین توجه و عنایت و دید فراحسی است. در اینجا متن کامل آن پیام آورده می‌شود، تا هم تأکیدی بر مطالب یادشده باشد و هم زمینه‌ای برای مباحث بعدی و عنصر تعهد در کارهای هنری که از نظر امام، بسیار مهم و تعیین‌کننده است. جالب توجه است که این پیام را که ترسیم‌کننده خطوط هنر مکتبی و متعهد است، امام امت در آستانه سالگرد هفته دفاع مقدس (۱۳۶۷/۶/۳۰)

بی‌دردی و بی‌حرکی باشد، ناپسند است. این تأکید را در مورد همه شاخه‌های هنر، و مهمتر از همه در زمینه سینما و فیلم و رادیو و تلویزیون بیشتر فرموده‌اند.

در پیام هفته دفاع مقدس، در دعوت از نویسندگان و هنرمندان و نقاشان به ثبت حماسه‌های رزمندگان، می‌فرماید: امروز، همه از تصویر این صحنه‌های معنوی انسانی عاجزند و اینجانب که به نویسندگان و گویندگان و تحلیلگران و هنرمندان و نقاشان و همه و همه پیشنهاد می‌کنم تا همیشه و به‌خصوص در این هفته آنچه در توان دارند، در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم این سلحشوران عظمت‌آفرین و ملت ایران و اسلام بزرگ نمایند، برای آن است که به گوشه‌ای از وظیفه اسلامی، انسانی، ملی و میهنی هرچند کوچک خود عمل نماید، و الا خداوند شکور است که نام این عظمت‌آفرینان را در جهان، بلند و مقامشان را در ملکوت‌اعلی به نمایش می‌گذارد.^۶

همه انتقادهایی که امام امت به‌شدت متوجه رادیو و تلویزیون و فیلم‌ها و سینماها و تئاترهای پیش از انقلاب داشت، به لحاظ محتوای فاسد و اغراض‌آلوده و آثار زیانبار اخلاقی و اجتماعی آنان بود. امام می‌کوشید تا این هنرها از ابتدال به تعهد و از غفلت‌آفرینی به بیدارگری تحول یابد و مکرر در مصاحبه‌های پیش از انقلاب، وقتی دیدگاه او را در باره سینما و هنر و... می‌پرسیدند، تأکید داشت که ما با هنر و سینما مخالف نیستیم، بلکه با فساد مخالفیم. این دقیقاً ترسیم‌کننده خط تعهد در هنری است که امام از آن دم می‌زد. از سخنان اوست: «... ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی اسلامی

باشد، زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدت‌ها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر، نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند و هنر آنها هم عبارت بود از چیزهای مبتذل، جز این نبود که افراد و جوانان ما را در دانشگاه‌ها و خارج و داخل طوری تربیت کنند که همه را منحرف سازد.»^۷ حتی در مورد شعر، این زبان زیبا و نافذ هنری، هم از شاعران وابسته به دربار طاغوت و قلم بدستان مزدور انتقاد می‌کند و هم اهل قلم را تشویق می‌کند که هنر خویش را در خدمت ایمان و آرمان مردم انقلابی به کار گیرند. می‌فرماید: «بدانید که بی‌انگیزه نبوده است که رژیم سابق از شاعران و نویسندگان و سخنگویان و شایعه‌سازان و روزنامه‌نگاران وابسته برای تفرقه بین این دو گروه (روحانیون و دانش‌آموزان و دانشجویان) استفاده می‌کردند.»^۸ و می‌فرماید: «همه شماها که نویسنده هستید و خصوصاً شعرا که لسان شعر بالاترین لسان است، باید مردم را آگاه کنید، نسل‌های فعلی را، نسل‌های آینده را...»^۹

و نیز در عرصه هنر دفاع مقدس می‌فرماید: «لازم است ملت شریف ایران عموماً و خصوصاً دولتمردان و گویندگان و نویسندگان و شاعران و هنرمندان از این قشر فدکار، هر یک به سهم خود قدردانی نمایند و مراحل مختلف پیروزی این حماسه‌آفرینان را با گفتار و نوشتار و کردار خود در معرض نمایش بگذارند.»^{۱۰}

امام امت، نامه‌ای تقدیرآمیز از شعر یکی از شاعران متعهد آن روزگاران (که بعد از انقلاب منحرف شد و به دامن ضدانقلاب افتاد) نوشته و خطاب به استاد محمدرضا حکیمی می‌نویسد: «اینک نیز پیام بلندپایه را دیده و از ایشان تقدیر می‌کنم.»^{۱۱} و در همین نامه، اظهار امیدواری می‌کند که طبقه جوان با هر وسیله‌ای که بتواند، ملت‌ها را بیدار کنند، با شعر، نثر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهی جامعه است. شعر از دیدگاه امام، وقتی که نغز و حکمت‌آمیز باشد، مورد تمجید است.

از این رو در پاسخ به همسر حاج احمدآقا که از امام امت شعر خواسته است، در نامه عارفانه‌اش خطاب به وی از جمله چنین آورده است: شاعر اگر سعدی شیرازی است، بافته‌های من و تو بازی است.

در وصیتنامه سیاسی-الهی خویش نیز ضمن مهم‌دانستن اثرگذاری رسانه‌ها و مطبوعات و هنر، در جهت‌دهی به این ابزار هنری و ترسیم آثار تخریبی هنرهای وابسته و در خدمت فساد، می‌نویسد: «... رادیو-تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها، از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت‌ها خصوصاً نسل جوان بوده‌اند. در این صد سال اخیر، به‌ویژه در نیمه دوم آن، چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضداسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شد...»

فیلم‌های تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پرارزش که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است.»^{۱۲} پس تباهی و تخدیر و بی‌خبری، رهاورد هنرهای فاسد است، و جهت داشتن و تربیت و بیدارسازی، محصول هنرهای متعهد است.

هنر پیش از انقلاب

شاید برخی جوان‌ترها به لحاظ فاصله زمانی، دقیقاً در جریان آنچه پیش از انقلاب اسلامی در کشور ما جاری و ساری بود و به نام هنر، ابتدال و فساد و گناه ترویج می‌شد، نباشند. امام راحل، با توجه دقیق و شناخت عمیق، در مصاحبه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌هایش انگشت روی مفسده‌های هنر پیش از انقلاب گذاشته و آنها را به نقد می‌کشد. اگر دستگاه‌های رادیو تلویزیون و مطبوعات و مجلات و سینماهای آن دوره ستم‌شاهی را مراکز فسادپرور می‌داند، بیراهه نیست. اینک به

نمونه‌هایی از دیدگاه‌های حضرت امام به مقوله‌های هنری آن دوره، به‌ویژه در زمینه فیلم و سینما اشاره می‌کنیم.

«ما با سینماهایی که برنامه‌های آنها فاسدکننده اخلاق جوانان ما و مخرب فرهنگ اسلامی ما باشد مخالفیم، اما با برنامه‌هایی که تربیت‌کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و عالی جامعه باشد، موافق هستیم.^{۱۳} این فسادهایی که در ایران هست، اینها را جزء فرهنگ حساب می‌کنند؟ سینماها جز فرهنگ است؟ اینها از ثبات فرهنگ است؟ کدام سینماها؟ همین‌هایی که همه جوان‌ها و نیروی جوان ما را از بین برده است؟^{۱۴} شاه، تمام آثار تمدن را به صورت فاسدکننده درآورد.

سینما عامل ترویج فساد شد. اخلاق جوان‌ها را فاسد کرد.^{۱۵} ما با سینما مخالف نیستیم، با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب‌نگه‌داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم.^{۱۶} رادیو و تلویزیون، اکثر اوقات جوان‌های ما را به گوش کردن اینطور چیزها وامی‌داشت. از طریق چشم، جوان‌های ما را فاسد می‌کردند.^{۱۷} ممکن است که کسی در سینما، نمایش‌هایی که می‌دهد، نمایش‌های اخلاقی باشد، نمایش‌های آموزنده باشد، که آن را هیچکس منع نکرده، و اما سینمایی که برای فساد اخلاق جوان‌های ماست، و اگر چند روز جوان‌های ما در این سینماهایی که در این عصر متعارف بود و در زمان شاه متعارف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آنجا، فاسد بیرون می‌آید، دیگر به درد نمی‌خورد و اینها می‌خواهند همین بشود ... می‌خواهند این جوان‌ها به طرق مختلفه بیکاره و بی‌عبار باشند که دیگر در مقابل این استفاده‌جوه‌های خارجی نتوانند کاری بکنند، یعنی بی‌تفاوت باشند.^{۱۸} روشن است که دیدگاه امام، بر نفی مطلق و کلی هنر و سینما نیست و جنبه اخلاقی و آموزنده سینمای متعهد را هم می‌پذیرد.

اما نقد او متوجه وضعیتی است که در سینمای پیش از انقلاب در کشورمان حاکم بود و نسل جوان را بی‌انگیزه، فاقد هویت، لاابالی و فاسد می‌ساخت. باز هم از زبان امام، این روایت‌گر صادق آن روزگار تاریک و شوم بشنویم: این سینماهایی که الان جوان‌های ما را دارند به فساد می‌کشند و به فحشا می‌کشند، اینها می‌گویند این فرم نباشد، می‌خواهند سینما باشد، سینمای آموزنده باشد، سینمای اخلاقی باشد، با فساد، اسلام مخالف است، با فسادکشیدن جوانان، مسلمان را به فسادکشیدن مخالف است.^{۱۹}

سینماها کارشان از بین بردن روحیه مقاومت در نسل جوان کشور بوده است. امروزه این امر مورد اقرار گردانندگان دستگاه‌های تبلیغاتی خود رژیم نیز هست.^{۲۰}

در رژیم سابق، تمام چیزها خصوصاً فرهنگ و هنر، محتوایش عوض شده بود، یعنی کسی که نام سینما را می‌شنید، خیال می‌کرد که آنجا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد و یا کلمه تناظر، در ذهن انسان چیز مبتذلی بود که از آن بهره فساد برده می‌شد.^{۲۱} این نیز گویای تغییر ماهیت و مسخ هویت هنر است، اگر در خدمت انسان‌های فاسد یا اندیشه‌های خراب و حکومت‌های تباهی‌آفرین قرار گیرد.

موسیقی

قضیه موسیقی یک مطلبی است که خوب طبع جوان به آن توجه دارد. اگر یک مدتی این عادت کرد که موسیقی را باز کند و گوش کند، مغز این از تفکر در امور جدی باز می‌ماند، می‌رود دنبال همین قضیه.^{۲۲}

جالب است که امام، نه مثل آنان که اغلب روی مضرات موسیقی بر اعصاب و روان و ... تأکید می‌کنند، بلکه روی جهت انسانی و نیروهای خلاق جوانان و بعد جدیت و اراده جوان تأکید دارد و مهمترین زیان آن را غافل‌ساختن از هدف‌های برتر و بازداشتن از تفکر و اندیشه می‌داند. روشن است که منظور، همه فکر و ذکر و

وقت و نیرو را صرف گوش کردن به نوارهای موسیقی و ترانه‌های مبتذل و آهنگ‌های شهوانی و ... است. و گرنه، هم‌اینک موسیقی به عنوان فاصله برنامه‌ها، زیر صدای فیلم‌ها و سریال‌ها، همراه سرودهای انقلابی و غزل‌های عرفانی و کلاً در برنامه‌سازی‌های هنری کاربردی وسیع و مثبت دارد و آن آثار و عوارض سوء را هم ندارد.

بسیار تفاوت است بین اینکه برای جذاب‌تر ساختن برنامه‌های هنری، به‌عنوان چاشنی تلطیف‌کننده از موسیقی در رسانه‌ها و فیلم‌ها و ... استفاده شود، یا اینکه یک فرد، به‌عنوان یک کار، خود را به گوش دادن موسیقی مشغول سازد و این وسیله به هدف تبدیل گردد.

حضرت امام، در رد برخی شبهات مقدس‌نماها نسبت به برنامه‌های صداوسیما (که منجر به گوش‌نکردن برنامه‌های این رسانه‌ها می‌شد و خواست دشمن بود) و در پاسخ به نظرخواهی مسئولان صداوسیما از حضرت وی، درباره برنامه‌ها، سرودها، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی چنین پاسخ داد:

«نظر نمودن به این قبیل فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد و همینطور فیلم‌های ورزشی و آهنگ‌ها اکثراً بی‌اشکال است. گاهی خلاف به‌طور نادر دیده می‌شود که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود: اول آنکه کسانی که گریم می‌کنند، باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد، دوم آنکه



امام، نه مثل آنان که اغلب روی مضرات موسیقی بر اعصاب و روان و ... تأکید می‌کنند، بلکه روی جهات انسانی و نیروهای خلاق جوانان و بعد جدیت و اراده جوان تأکید دارد و مهمترین زیان آن را غافل‌ساختن از هدف‌های برتر و بازداشتن از تفکر و اندیشه می‌داند.

و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده، باید همت گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را به هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند.^{۲۷}

شما یک سینمای اخلاقی، یک سینمای آموزنده بیاورید، اگر یک کسی با آن مخالفت کرد؟ با آن مراکز فساد، دولت اسلام مخالف است.^{۲۸}

باید فیلم‌هایی که در رادیو تلویزیون نمایش داده می‌شود، آموزنده باشد، فیلم‌هایی باشد ولو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد، یا فیلم‌هایی که از خارج می‌آید، درست تفتیش بشود که چنین نباشد، آنها ممکن است با شیطنت فیلم‌هایی را به ایران بفرستند که بخواهند جامعه ما را فاسد کنند.^{۲۹}

امام امت در این بیان‌ها، ضمن آنکه بر مذهب و مربی و سالم و آموزنده بودن فیلم‌ها تأکید دارد، هوشیارانه به تأثیر فیلم‌های غربی و شیطنت‌های هنری آنان اشاره می‌کند. در جایی دیگر به فیلم‌های ایرانی اشاره می‌کند و ارتباط بهتر و متفاهم‌تر آنها را با فرهنگ جامعه خودمان یادآور می‌شود: من غالباً فیلم‌هایی که خود ایرانی‌ها درست می‌کنند، به نظرم بهتر از دیگران است. مثلاً فیلم گاو آموزنده بود ... فیلم‌هایی که از خارج به ایران می‌آید، اکثر استعماری است. لذا فیلم‌های خارجی

بینندگان از روی شهوت نظر نکنند.^{۳۰} در این جوابیه، ضمن آنکه به رعایت حدود شرعی و محرم‌بودن گریمور و ترک گناه شهوت‌آلود دارد، از موسیقی استفاده‌شده و فیلم‌ها و سروده‌ها دفاع می‌کند، به‌خصوص که آن زمان، حتی سرود مربوط به شهادت استاد مطهری را هم با همین شبهه‌آفرینی‌ها می‌خواستند بایکوت کنند که امام فرمود اشکال ندارد.

فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی

در بخش‌های پیشین، تحلیل امام را نسبت به فسادآوری هنرهای تصویری و صوتی پیش از انقلاب و تلویزیون و سینمای آن دوره یاد کردیم. امام امت، به این رسانه‌های هنری به عنوان یک آموزشگاه می‌نگریست و تأکید داشت که آموزنده و تربیت‌کننده باشد و این در صورتی است که صلاح و اصلاح‌گری در متن تفکر هنرمندان و دیدگاه‌های برنامه‌سازان سینما و تلویزیون جریان داشته باشد. پس موضع امام، نفی مطلق نبود و اگر از نوعی هنر انتقاد می‌کرد، جایگزین بهینه را هم معرفی می‌نمود و دیدگاه‌های ارشادی و اصلاحی خویش را باز می‌گفت.

در این قسمت با گوشه‌هایی از نظرات امام در این زمینه آشنا می‌شویم و رسالت هنر و هنرمندان و دستگاه‌های هنری را از زبان امام می‌شنویم: بنگاه‌هایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صداوسیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها

استعماری را حذف کنید، مگر صد در صد صحیح باشد.^{۳۰}

و این است معنای هادی امت و دیدبان هشیار و مراتب بیدار مرزهای فکری و فرهنگی! امام امت تأکید دارد که گاهی پیام اصلی سازندگان فیلم‌ها، از چشم و گوش نظارت‌کنندگان و بینندگان ممکن است پنهان بماند. از این رو مسئولان فرهنگی و مراکز تصمیم‌گیرنده در مورد وارد کردن، خریدن و پخش فیلم‌ها و سریال‌ها باید مراقبت هوشمندانه‌تری داشته باشند و کارشناسان به مسئله بنگرند، نه به عنوان یک ناظر معمولی و ساده. بنگرید توجه‌دادن امام امت را:

«کارشناسی می‌خواهد این فیلم‌ها. این فیلم‌ها ممکن است یک نتایجی بدهد که نتایج را اشخاص عادی نتوانند درست بفهمند. کارشناس‌ها در آن فکر کنند، تأمل کنند، تا اینکه یک فیلم صحیحی باشد که مناسب جمهوری اسلامی و با مصالح اسلام، با مصالح کشور خودتان باشد.^{۳۱}

توجه کنید که فیلم‌ها، فیلم‌های انحرافی نباشد ...^{۳۲}

فیلم‌های منحرف‌کننده از اخلاق متعالی انسان، ممنوع است.^{۳۳}

امام، با شناخت دقیق از بعد سمعی-بصری این رسانه‌ها و تأثیر فراوانشان، می‌فرماید: این دستگاه، حساس‌ترین دستگاهی است که در مملکت‌مان بوده است، یعنی از حیث اینکه در رادیو-تلویزیون هم چشم می‌بیند، هم گوش می‌شنود، آن هم در حد وسیع همه‌جایی، و رادیو در خارج هم که پخش می‌شود.^{۳۴}

دستگاه رادیو-تلویزیون ... دستگاهی است که حساس‌ترین دستگاه‌های تبلیغاتی هر کشوری است که هم از طریق بصر و هم از طریق سمع، مردم از آن استفاده می‌کنند و آن طوری که به

رادیو-تلویزیون توجه می‌کنند، به هیچ دستگاهی آن طور توجه نمی‌کنند. از دستگاه کوچکی که برای بچه‌ها گذارده می‌شود، تا آن برنامه‌هایی که برای دیگران. اگر این دستگاه اصلاح بشود و برنامه‌های آن برنامه‌های اصلاحی باشد، امید است که یک مملکت اصلاح بشود.^{۳۵}

حضرت امام، علاوه بر فراگیری این رسانه نسبت به مخاطبان، و شمول نسبت به خارج از کشور در برنامه‌های برون‌مرزی، به تأثیر شگرف آن، روی مخاطبان کودک و نوجوان اشاره می‌کند. با عنایت به حساسیت گیرندگی کودکان نسبت به فیلم و کارتون و ... در تلویزیون، پخش فیلم‌ها برای این قشر از بینندگان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. امام بر این مسئله چنین تأکید می‌فرماید: بچه‌های کوچولو که می‌نشینند و این عروسک‌هایی که آنجا چه می‌شود مثلاً تماشا می‌کنند و فیلم‌ها را تماشا می‌کنند، اگر انحراف در اینها باشد، آنها را از همان بچگی منحرف می‌کند. این از مدرسه‌ها بالاتر است. این مدرسه عمومی سرتاسری کشور است ... نقشی که در اینجا می‌بندد، در صورتی که در اینجا و سیمایی که در اینجا نشان داده می‌شود، در همه کشور و در داخلی هر جا که این پوشش را دارد، می‌رود.^{۳۶}

بچه‌ها علاقه دارند به نگاه کردن به این عکس‌ها، به این فیلم‌ها، آنها پایش نگاه می‌کنند، اگر فیلم یک فیلم آموزنده باشد، این بچه‌ها تربیت می‌شوند به تربیت صحیح. و اگر یک فیلمی باشد که برخلاف باشد و انحراف‌کننده باشد، بچه‌ها تربیت می‌شوند به تربیت انحرافی. بزرگ‌ها هم همین‌طور.^{۳۷}

هنر طاغوتی

بی‌شک، هنرمند در هر قالبی که کار کند، روحیات و اندیشه‌ها و باورهای خود

را در اثر هنری خویش می‌ریزد و همان‌ها را به مخاطبان القا می‌کند. از این رو، عرصه هنر و فیلم و مطبوعات، از حساس‌ترین میدان‌هایی است که نمی‌توان خوش‌خیالانه در اختیار هر کس که ظاهرالصلاح بود نهاد و به کسانی که با زرنگی و منافقانه خود را در خط اسلام و انقلاب جا می‌زنند، سپرد. امام راحل با توجه به اینگونه رسوبات فکری هنرمندان طاغوتی و ضدانقلاب و جریان آنها در آثار هنریشان، جامعه ما را به این رخنه‌گاه خطیر توجه می‌دهد و از مسئولان هنری کشور می‌خواهد تا در گزینش نیرو و سپردن مسئولیت و به‌کارگیری عناصر هنری، به این بعد هم توجه داشته باشند. در مورد اینگونه فیلمسازان می‌فرماید: باید کسانی که فیلم‌سازند، باید معلوم بشود که اینها چه کاره‌اند، چه جور بوده‌اند، وضع روحی‌شان، وضع زندگی‌شان، وضع معاشرت‌هایشان، قبلاً چه جور بوده است؟ آیا تحول برایش حاصل شده؟ تحول روحی، یا اینکه باز همان ته‌مانده‌های سفره شاه هست در قلب‌هایشان؟ ... گاهی وقت‌ها خوب، فیلم را بسیاری متوجه نمی‌شوند چی است، لکن محتوایش روی هم رفته انسان یک وقت می‌بیند که یا طرف چپ است، یا طرف راست است، یا رو به فساد است، این وضع باید دقت شود.^{۳۸} مگر نه اینکه در عصر طاغوت، این عناصر هنری و سینماها و فیلم‌ها، در استخدام فرهنگ شاهنشاهی بود؟ و مگر اغلب هنرمندان آن عصر، در تحکیم مبانی همان رژیم هنرآفرینی نمی‌کردند؟ چه نویسندگان، چه شاعران، چه آهنگ‌سازان برجسب طاغوتی داشتند. تحول روحی و عوض کردن مسیر، در تعداد کمی ایجاد شد. هنرمندان متعهد مسلمانی بودند که با ورودشان به عرصه هنر، این خلأ را پر کردند. و هرگز مباد که باز هم این عرصه‌ها، میدان تاخت و تاز هنرمندان

هنرمندان ما تنها زمانی
می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار
مسئولیت و امانتشان را زمین
بگذارند که مطمئن باشند
مردمشان بدون اتکابه غیر، تنها
و تنها در چارچوب مکتبشان
به حیات جاویدان رسیده‌اند و
هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع
مقدسمان اینگونه بودند، تا به
ملکوت اعلی شتافتند و برای
خدا و عزت و سعادت مردمشان
جنگیدند و در راه پیروزی
اسلام عزیز، تمام مدعیان هنر
بی‌درد را رسوا نمودند.

نغز و غزلیات پربار و حافظانه امام به‌ویژه در سال‌های آخر عمر شریف، هر کدام جای تجزیه و تحلیل و نمونه‌آوری برای هنر امام است.

پیام‌هایی که امام راحل در مقاطع مختلف انقلاب و حوادث مربوط به جنگ و شهدا و... صادر می‌کرد، هر یک نمونه بارز نثر ادبی و فصیح بود. کلامش، جادوی سخنش و افسون قلمش، اوج‌ها و عمق‌ها داشت و نثرش زنده و جاندار، امروزی و جوان، گرم و خون‌ساز، روشن و روشنگر بود. همچون تیغ می‌برید، همچون باران سیراب می‌کرد، همچون خورشید گرما می‌بخشید، همچون دریا ژرف و موج بود، همچون آینه تصویرگر حقیقت بود و به حکمت لقمان می‌مانست، در عمق و اصالت و دلنشینی، به ذوالفقار علی (علیه‌السلام) شبیه بود، در قاطعیت و دشمن‌شکنی، به مواعظ پیامبر شباهت داشت، در الفت‌بخشی و تقوای آموزشی و دلنوازی.^{۴۵} بعد ادبی آثار مکتوب حضرت امام، از زاویه‌های گوناگون شایان توجه است، از نظر زیبایی‌های لفظی، از جهت مضمون‌آفرینی، از حیث جوان‌بودن نثر و به تعبیر مقام معظم رهبری: پیام‌های امام خمینی که از سالیان دراز تا امروز، دل‌های مبارزان را گرم و آتش مبارزه را روشن و مشتعل نگه می‌داشت، سه ویژگی اساسی دارد:

۱. برانگیزندگی خلق؛
۲. هدایت و ترسیم خط انقلاب؛
۳. ثبت دقیق تاریخ قیام و مبارزه مردم. مشخصه بارز پیام‌های امام، تأثیر قاطع آن در برانگیختن مردم بود و هست. نه تنها در گذشته، که امروز نیز کلام ساده و بی‌پیرایه این مرشد و رهبر، جان شیفتگان حق و عدالت را مشتعل می‌کند و

طاغوتی و چپ و راست و مبتذل‌نویسان گردد. امام امت باز هم به بعد آموزشی و متعهدانه این هنرها اشاره دارد: سینما یک جایی است که برای آموزش است، برای پرورش است، رادیو تلویزیون همه اینها تا وقتی که رسید اینجا به دست اینهایی که مأمور بودند از طرف غیر، که وطن را به این حالت درآورند، و مأموریت برای وطنشان داشتند،^{۴۹} اینها را منقلب کردند به یک چیزی که برخلاف بود. حالا از این به بعد، باید همه اینها یک دستگاه پرورش باشد، یک دستگاه آموزش باشد، رادیو هم همین‌طور، تلویزیون هم همین‌طور، تئاتر هم همین‌طور.^{۴۰}

امام، با بیان طنزآمیز فوق که ایهام به مأموریت شاه برای خدمت به فرهنگ اجنبی و سلطه بیگانگان و ترویج فرهنگ فاسد غرب دارد، به جلوه‌ای از این هنر طاغوتی اشاره کرده است. در جای دیگر، ضمن رد تهمت اینکه روحانیون با مظاهر تمدن مخالفند، درباره سینما می‌گوید: سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوان‌های ما را اینها به تباهی کشیده‌اند.^{۴۱} گرچه از خلال بخش‌های گذشته و آنچه از دیدگاه‌های امام نقل شد، نظر ایشان درباره اینکه سینما، فیلم و هنر چگونه باید باشد، روشن گشت. اما چند سخن دیگر از امام امت می‌آوریم، تا به صبغه آموزشی و بعد تربیتی هنر و رسانه‌های هنری و سریال، بیشتر تأکید کرده باشیم.

امام می‌فرماید: رادیو تلویزیون، یک دستگاه آموزشی است. سینما یک دستگاه آموزشی است. باید دستگاه‌ها را به‌طور مسالمت، به‌طور صحیح، به‌طور سلیم اداره کرد.^{۴۲}

سینمایی که باید معلم این جوان‌ها باشد، مربی این جوان‌ها باشد، اصلاح‌کند اینها را، جوری درستش کردند که به فساد می‌کشاند آنها را... مطبوعات، سینما، تلویزیون، رادیو، مجله‌ها، همه اینها برای خدمت به یک کشور است. اینها باید در خدمت باشند، نه اینکه...^{۴۳} فیلمی که شما نشان بدهید، اگر فیلم سازنده باشد، این در سرتاسر کشور سازندگی دارد و اگر یک فیلم خدای نخواستہ انحرافی باشد، در سرتاسر کشور نقش دارد. شما این را مثل سایر رسانه‌های گروهی حساب نکنید.^{۴۴}

امام، در جلوه‌های دیگر

آنگونه که در آغاز نوشتار اشاره شد، خود امام امت، در زمینه‌های خاصی از ذوق هنری بالا برخوردار بود. خط زیبا و پخته امام، بیان ساده و روان و مردمی از یک‌سو و زبان پرشور و خطابه‌های حماسه‌آفرین و برانگیزنده وی از سوی دیگر، آثار جاویدان و عمیق و زیبای علمی و ادبی، پیام‌ها و نامه‌های ادبی و عرفانی وی، سروده‌های

در آن شور و هیجان می‌آفریند.^{۴۶} پیام‌های مکتوب امام، لبریز از صناعات ادبی است و نمونه‌های فراوانی از جناس، سجع، تضاد، ایهام، لف و نشر، تشبیه و کنایه و استعاره، تلمیح، مراعات نظیر و ... است که بر غنای این نوشته‌ها و جذابیت هنری آنها افزوده است.^{۴۷} سبک خاصی که امام راحل در نگارش متن‌های حماسی و عرفانی و ادبی ابداع کرد، فصلی جدید برای بررسی‌های ادبی گشوده است و بر ادبیات و شعر معاصر هم تأثیر خاص خود را نهاده است. شعر امام امت نیز تحلیل جداگانه‌ای می‌طلبد، چه آن سروده‌های دوران جوانی و مجموعه‌های شعری که از امام مفقود شده و چه آنچه اغلب مربوط به سال‌های اخیر بود و در دیوان امام گرد آمده است. قالب‌های مختلفی که امام در آنها شعر سرود و نیز متنوع است و جلوه‌ای از هنر کلامی امام را نشان می‌دهد.^{۴۸} پایان‌بخش این مقاله را ابیاتی از غزل «دریا و سراب» حضرت امام قرار می‌دهیم، تا حسن ختامی برای این بررسی شتابان و گذران باشد:

ما را رها کنید در این رنج بی حساب
با قلب پاره پاره و با سینه‌ای کباب
عمری گذشت در غم هجران روی دوست
مرغم درون آتش و ماهی برون آب
حاصل نشد نصیبم از این رنج و زندگی
پیری رسید غرق بطالت پس از شباب
از درس و بحث مدرسه‌ام حاصلی نشد
کی می‌توان رسید به دریا از این سراب
هرچه فرا گرفتم و هرچه ورق زدم
چیزی نبود، غیر حجابی پس از حجاب...^{۴۹}
به امید آنکه هنر خوب‌زیستن را در
مکتب امام عزیزمان بیاموزیم و همچون او
به زیبایی معنوی دل ببندیم و جمال هنر
برتر را آینه دیدار حق بسازیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. غررالحکم.
۲. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷.
۳. در این زمینه، رک: هنر در قلمرو مکتب، از نویسنده، فصل اول.
۴. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۳۰.
۵. همان، ج ۲۱، ص ۳۰.
۶. همان، ج ۱۸، ص ۱۲۳.

۷. همان، ص ۱۶۲.
۸. همان، ج ۱۷، ص ۳۶.
۹. همان، ص ۱۹۲.
۱۰. همان، ص ۳۳.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۹ (سال ۴۸).
۱۲. وصیتنامه، بند م (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۴).
۱۳. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۵۹.
۱۴. همان، ج ۳، ص ۲۱۴.
۱۵. همان، ج ۴، ص ۲۶۲.
۱۶. همان، ص ۲۸۴ و ج ۵، ص ۶.
۱۷. همان، ج ۱۲، ص ۱۰۴.
۱۸. همان، ج ۴، ص ۸۵.
۱۹. همان، ج ۳، ص ۸۲.
۲۰. همان، ص ۵۲.
۲۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۶۱.
۲۲. همان، ج ۸، ص ۱۹۷.
۲۳. همان، ص ۱۹۸.
۲۴. همان، ص ۱۸۱.
۲۵. همان، ج ۹، ص ۱۵۵.
۲۶. همان، ج ۲۰، ص ۱۶۸.
۲۷. همان، ج ۱۹، ص ۱۰۹.
۲۸. همان، ج ۳، ص ۶۹.
۲۹. همان، ج ۱۲، ص ۱۰۴.
۳۰. همان، ص ۸۵.
۳۱. همان، ج ۱۶، ص ۸۴.
۳۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۲.
۳۳. همان، ج ۳، ص ۹۲.
۳۴. همان، ج ۹، ص ۲۶۳.
۳۵. همان، ج ۱۰، ص ۱۱.
۳۶. همان، ج ۱۶، ص ۸۳.
۳۷. همان، ج ۹، ص ۲۶۵.
۳۸. همان، ج ۱۶، ص ۲۳۵.
۳۹. اشاره‌ای ظریف به کتاب شاه با نام مأموریت برای وطنم.
۴۰. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۵۰.
۴۱. همان، ص ۶.
۴۲. همان، ص ۲۱۰.
۴۳. همان، ج ۸، ص ۲۳.
۴۴. همان، ج ۱۶، ص ۸۲.
۴۵. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۵۱۱.
۴۶. مقدمه معظّم‌له بر صحیفه نور، ج ۱، ص ۹.
۴۷. در این زمینه، به مقاله تحلیلی نویسنده پیرامون «نثر ادبی امام خمینی» مراجعه کنید، در مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۵۱۱ تا ۵۵۶.
۴۸. در این زمینه نیز، از جمله رک: دیوان امام، مقدمه.
۴۹. دیوان امام، ص ۴۸.